

زیر درختان زیتون

جوایز جشنواره بریستول انگلستان برای عکاسان ایرانی

● گروه هنر: عکاسان ایرانی در جشنواره عکس «بریستول» انگلستان جوایزی را کسب کردند.در این جشنواره عکس «راه اشتباه» از حسین زارع عنوان بهترین عکس خلاقه و مدال طلای GPU را از آن خود کرد. همچنین عکس‌های «شب‌نشینی» از امین دهقان و «محافظ» از حسین زارع موفق به دریافت تقدیر جشنواره شدند. در این رویداد که زیر نظر فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیاپ) و انجمن عکاسی آمریکا (PSA) برگزار شد، آثاری از عکاسان عضو کلوپ فوکوس (نمابندگی فیاپ در ایران) در بخش‌های مختلف جشنواره شامل حسین زارع، امین دهقان، جواد رضائی، مهدی زابل‌عباسی، امیرحسین هنروز، حمیدرضا هلالی، رضا عاملی‌پور، سحر حاجی‌غنی‌زاده، علی سامعی و مرجان تقی‌پورفهندری پذیرفته شدند. فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیاپ) که به‌عنوان تنها مؤسسه بین‌المللی در زمینه عکاسی از طرف یونسکو به رسمیت شناخته شده است، در سال ۱۹۴۶ پایه‌گذاری شد و از آن سال تاکنون واسطه‌ای برای برقراری ارتباط بین مؤسسات ملی عکاسی در کشورهای مختلف جهان بوده است. این فدراسیون به‌عنوان عضو اجرائی با مؤسسات ملی عکاسی در سراسر جهان همکاری نزدیک دارد که تعداد آنها به بیش از ۹۰ مؤسسه ملی در پنج قاره می‌رسد. فیاپ در هر کشور فقط یک دفتر دارد که در حال حاضر نماینده رسمی فیاپ در ایران «کلوپ عکس فوکوس» است.

برگزیده برگزیدگان ۱۰ دوره جایزه محسن رسول اف معرفی شدند

● گروه هنر: به مناسبت دهمین سال جایزه جوانان زیر ۲۵ (جایزه محسن رسول اف) نشست دوری برای انتخاب برگزیده برگزیدگان ۱۰ دوره گذشته برنده تندیس از جشن تصویر سال برگزار شد. به گزارش دبیرخانه تصویر سال، انتخاب برگزیده برگزیدگان ۱۰ دوره گذشته برنده تندیس از جشن تصویر سال در رشته‌های عکاسی در پنج شاخه خبری، مستند اجتماعی، ورزشی، هنر و هنرمندان، نگاهی دیگر (خلاقه)، گرافیک (پوستر)، کاریکاتور و فیلم (زیر ۱۵ دقیقه و بالای ۱۵ دقیقه) برعهده اکبر عالمی، محمود کلاری، محمد زبین‌دست و کامبیز درم‌بخش بود. هیئت داوران که به‌ترتیب از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ در مراسمی با عنوان «در ستایش تصویر» تجلیل شده بودند، آرای خود را به شرح زیر اعلام کردند:
برنده بخش پوستر: عاطفه آشوری، برنده دوره سیزدهم (سال ۱۳۹۴) / در بخش کاریکاتور: محمود آزادینا، برنده دوره هشتم (سال ۱۳۸۹) / در بخش نگاهی دیگر (خلاقه): صمد قربان‌زاده، برنده دوره هفتم (سال ۱۳۸۸) / در بخش خبری: حسین حیدریور، برنده دوره یازدهم (سال ۱۳۹۲) / در بخش مستند اجتماعی: جواد شیدا، برنده دوره دهم (سال ۱۳۹۱) / در بخش هنر و هنرمندان: عاطفه آرائی، برنده دوره نهم (سال ۱۳۹۰) / در بخش ورزشی: زندهیاد وحید سهرابی‌ابد، برنده دوره هفتم (سال ۱۳۸۸) / در بخش فیلم (فیلم‌های نیمه‌بلند) حسین امیری‌دوماری و پیرام پورامیری برای دو فیلم «سکوت کن» برنده تندیس نیمه‌بلند در دوره سیزدهم، سال ۱۳۹۴ و «قات شهر خاموش»، برنده تندیس دوره دوازدهم (سال ۱۳۹۳) / در بخش فیلم (فیلم‌های بلند) سعید روستایی برای مجموعه فیلم‌های شبنه، برنده دوره نهم، (سال ۱۳۹۰) / در بخش فیلم (فیلم‌های بلند) «مانتوهای رنگ روشن و خیابان‌های خلوت (برنده دوره یازدهم ۱۳۹۲). قرار است از سوی بنیاد فرهنگی هنری رسول‌اف و جشن تصویر سال در آیین پایانی شانزدهمین دوره، تندیس ویژه ۱۰سالگی مسابقه جوانان زیر ۲۵ سال همراه با دیپلم افتخار و هدایای نقدی اهدا شود. آیین پایانی شانزدهمین جشن تصویر سال و جشنواره فیلم تصویر با اجرای حبیب رضایی و غزل شاکری و اجرای موسیقی زنده سامان احتشامی، سایه و صدا شیفی همراه است.

گروه هنر: رخشان بنی‌اعتماد در نمایش نسخه مرمت‌شده فیلم «نرگس» از لادن طاهری، مدیر فیلمخانه ملی ایران، تشکر و از او به‌عنوان مدیری که در برابر او تعظیم می‌کند، یاد کرد و سپس در سخنانی گفت: «من در قصه‌هایم قهرمان ندارم. اگر بخواهیم اصرار کنیم که قهرمانی وجود داشته باشد، هر شخصیتی که در جهت تغییر حرکت می‌کند، می‌تواند قهرمان باشد».

به گزارش ایسنا، کانون فیلمخانه سینما شامگاه ۲۱ اسفندماه در آخرین جلسه خود در سال جاری، فیلم «نرگس»، ساخته رخشان بنی‌اعتماد، را با حضور برخی از عوامل فیلم و کارگردان این اثر به نمایش گذاشت. رخشان بنی‌اعتماد قبل از شروع نمایش فیلم گفت: «آنهايي که روال خانواده سینما هستند، می‌دانند نسخه ترمیم‌شده، یعنی چه؟ من زمانی به این مرحله رسیدم که متوجه شدم، هیچ نسخه‌ای از فیلم‌هایم نیست و ما درگیر چه فاجعه‌ای هستیم».

او ادامه داد: «بدون هیچ تعارفی نهاد دولتی یا وزارتخانه‌ای در این مملکت سراغ ندارم یا این مدیریت‌های موجود که توانسته باشند مانند «فیلمخانه ایران» با این تدبیر و اندیشه، سینمای ایران را نجات دهند و من در برابر خانم طاهری تعظیم می‌کنم».

بعد از نمایش فیلم «نرگس»، نشستتی درباره فیلم با حضور رخشان بنی‌اعتماد، مهرداد دانش و ناصر صفاریان (دبیر کانون فیلم) برگزار شد.

در ابتدا رخشان بنی‌اعتماد درباره تفاوت سه فیلم اولش با بقیه فیلم‌هایی که ساخته، گفت: «نکته مهم این است که هنوز که هنوز است در این سن‌وسال هم تجربه‌جویی راهیم نکرده است. هرکدام از فیلم‌هایم تجربه تازه‌ای بود». کارگردان فیلم «نرگس» ادامه داد: «اولین فیلم من باید «زیر پوست شهر» می‌بود که فیلم‌نامه را با نام «طوبی» به‌علاوه چند فیلم‌نامه دیگر در آن زمان اجازه ساخت نگرفتند. بنابراین با فیلم «خارج از محدوده» جلو رفتم، من از وجه اجتماعی این کار و دو کار دیگری که طنز بودند، خوشم آمد، اما اینکه جرئت کردم سمت کار طنز بروم از جوانی من بود».

این کارگردان بیان کرد: «تفاوت سه فیلم اول با فیلم‌های بعد از «نرگس» این است که نگاه و شور جوانی مرا از یک لانگ‌شات به آدَم‌ها می‌رساند، اما در «نرگس» و فیلم‌های دیگر از شخصیت‌ها به شرایط اجتماعی رسیدم».

کارگردان «زیر پوست شهر» درباره چگونگی شکل‌گیری شخصیت‌های فیلم «نرگس» گفت: «آقای» برگرفته از شخصیت‌های مختلف است، نه یک هیچ‌گونه خللی در آرامشی که قصد داشته به فضای آتارش ببخشد، ورود پیدا کرده و ایجاد شود.

اولین وجه معنایی و حسّی برآمده از نقاشی‌های فرزانه محجوبی از نگاه بیننده، آرامش است و او تمامی تلاش خود را به‌وجودآوردن و القای چنین حسّی را با موفقیت به انجام رسانیده است. استفاده از فرم‌های نرم و نوازشگر در ساختار عناصر آثار، به‌رِیز از پرداختن به جزئیات، استفاده از رنگ‌های خاموش و غلبه این رنگ‌ها بر فضای آثار، بی‌توجهی به پس‌زمینه این آثار نمایان هستند که نقاش حتی پرداخت به عناصر موردنظر نقاش در فضای پیش‌زمینه و ایجاد فضای وهم‌آلود و محو در اغلب آثار، از جمله اقداماتی است که این نقاش جوان برای ایجاد و القای آرامش در آثارش از آنها بهره گرفته است. او درواقع قاب موردنظر خویش را فقط در پیش‌زمینه برای مخاطب آتارش برپا کرده است و کاری به دوردست‌ها ندارد، به‌طوری‌که حتی عنصر خورشید با گاهی ماه را که ماهیتا دست‌نیافتنی و مربوط به دوردست می‌شود برای معنابخشی موردنظرش جلوتر و در پیوند با دیگر عناصر نشانه‌دار است. در اغلب آثارش، زمین و آسمان در نقاشی است. درواقع با این تدابیر اجازه نداده تا

هیچ‌گونه خللی در آرامشی که قصد داشته به فضای آتارش ببخشد، ورود پیدا کرده و ایجاد شود.

اولین وجه معنایی و حسّی برآمده از نقاشی‌های فرزانه محجوبی از نگاه بیننده، آرامش است و او تمامی تلاش خود را به‌وجودآوردن و القای چنین حسّی را با موفقیت به انجام رسانیده است. استفاده از فرم‌های نرم و نوازشگر در ساختار عناصر آثار، به‌رِیز از پرداختن به جزئیات، استفاده از رنگ‌های خاموش و غلبه این رنگ‌ها بر فضای آثار، بی‌توجهی به پس‌زمینه این آثار نمایان هستند که نقاش حتی پرداخت به عناصر موردنظر نقاش در فضای پیش‌زمینه و ایجاد فضای وهم‌آلود و محو در اغلب آثار، از جمله اقداماتی است که این نقاش جوان برای ایجاد و القای آرامش در آثارش از آنها بهره گرفته است. او درواقع قاب موردنظر خویش را فقط در پیش‌زمینه برای مخاطب آتارش برپا کرده است و کاری به دوردست‌ها ندارد، به‌طوری‌که حتی عنصر خورشید با گاهی ماه را که ماهیتا دست‌نیافتنی و مربوط به دوردست می‌شود برای معنابخشی موردنظرش جلوتر و در پیوند با دیگر عناصر نشانه‌دار است. در اغلب آثارش، زمین و آسمان در نقاشی است. درواقع با این تدابیر اجازه نداده تا

آگهی مناقصه شماره ((۲۰۹۷۰۰۱۰۰۴۰۰۰۰۹۱)) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (مناقصه شماره ۷۳-۹۷)

بر اساس ماده ۱۳ قانون بر گزاری مناقصات عملیات اجرایی پروژه به شرح زیر بصورت مناقصه عمومی دو مرحله ای واگذار میگردد:
۱-دستگاه مناقصه گزار : شرکت ساخت و توسعه زیر بـناهای حمل و نقل کشور به نشانی تهران – بزرگراه مدرـس-خیابان وحید دستگردی – خیابان فرید افشار – نبش بلوار آرش
۲-شرح پروژه: عملیات اجرایی باقیمانده قطعه ۹ بزرگراه میاندوآب – کرمانشاه، با مدت اجرای کار ۴۰ ماه، در استان کردستان
۳ –سیر مراحل دریافت اسناد و برگزاری فرآیند مناقصه: صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس http://www.setadiran.ir و مهلت دریافت اسناد از سامانه مذکور حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ ۱۳میسر خواهد بود.
ضمناً مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام در سایت فوق و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه به انجام رسانند.
تلفن پشتیبانی سامانه: ۴۱۹۳۴
۴ –محل تحویل پاکت شرکت در مناقصه (صرفا پاکت الف) اداره کل امور پیمان ها و رسیدگی فنی – شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور حداکثر تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۴ و تاریخ جلسه مناقصه ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۵ می باشد.

مدت اعتبار پیشنهادهات ۳ ماه از تاریخ فوق می باشد. و در صورت لزوم یکبار قابل تمدید می باشد.

۵ – برآورد : براساس فهرست بهای پایه راه، راه آهن و باند فرودگاه سال ۱۳۹۷ به مبلغ ۵۹۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال مییابشد.

۶ –مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ار جاع کار ۱۲،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال تعیین میگردد.

۷ –مهندسین مشاور طرح: راهبرد سنا (تلفن :۸۰-۸۸۳۱۲۰۱۷)

ضمنا آگهی مناقصه از طریق پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به نشانی \http://iets.mporg.ir نیز قابل دسترسی است.

م الف ۴۶۹۰

هنر

تقدیر رخشان بنی‌اعتماد از لادن طاهری

مدیر فیلمخانه ملی، حافظ «آرشیو» سینمای ایران



عکس: مهدی تصویریار/اینا

است باید بگویم که زندگی قشر زیادی از جامعه دچار محرومیت است و این محرومیت کمتر نشده، بلکه دایره فقر و محرومیت وسع‌تر شده است. جوهر اصلی قصه «نرگس» آدم‌های فراموش‌شده‌اند که همچنان این آدم‌ها، فراموش شده‌اند».

در ادامه، مهرداد دانش با بیان اینکه سال ۷۱ فیلم «نرگس» را در اکران عمومی دیده است، گفت: خیلی از فیلم‌ها را در سال‌های دور دیدیم و به آنها دل‌بستگی‌هایی

داریم، اما ممکن است بعدها ببینیم و سرخورده شویم. من یک مقدار هراس داشتم که بعد از این‌همه سال اگر فیلم را ببینم، دوستش نداشته باشم، اما فیلم همچنان

سریاست. وجوه ملودرام، پس‌زمینه‌های اجتماعی، ارتباط بسیار محکم شخصیت‌ها و عمقی که در پس‌زمینه دراماتیک ماجرا وجود دارد، فیلم را همچنان سربا نگه داشته است.

رخشان بنی‌اعتماد در پاسخ به این سؤال که چرا نشانه‌هایی از زمان در فیلم «نرگس» وجود ندارد، گفت: «من قبل از این فیلم؛ «پول خارجی» را ساختم، شاید موفق هم نبود، ولی یکی از مهم‌ترین سندهای دوران خودش است؛ دوران پایان جنگ، بازار آشفته دلار و… اما به نظر من سینمای اجتماعی معنایش داشتن مُهر زمان نیست». او افزود: «در فیلم «نرگس» درست است که یک‌سری موقعیت‌ها قدیمی است، اما در طول این‌همه سال فیلم‌سازی که فیلم‌هایم از مستند شروع شده و قصه فیلم‌هایم الهام‌گرفته از موقعیت‌های واقعی

قابل توجه است». دانش تصریح کرد: «در عین حال در فیلم سه شخصیت داریم که جدا از اینکه آدم‌های بی‌گناهی هستند که به هم پناه آوردند، انگار هر کدام باری از یک مفهومی دارند، «آفاق» نماد گذشته است، «عادل» نماینده زمان حال است و «نرگس» وجه آینده ماجرا است و نگاهش به سمت افق آینده است. چقدر خوب است که اسم فیلم نرگس است، انگار نگاه فیلم هم به سمت آینده است. در عین اینکه نگاه همدلانه با گذشته و حال را حفظ می‌کند، نکته مهم این است که آدم بد در این فیلم نداریم، همه آدم‌های مفلوکی هستند که موقعیت زمانه آنها را به اینجا رسانده است. در آن زمان، این نوع نگاه به شخصیت‌های داستان خیلی شجاعانه بوده». رخشان بنی‌اعتماد در پاسخ به این سؤال که آیا شخصیت‌ها وجه تمثیلی دارند، گفت: «من در نوشتن شخصیت‌ها از وجه تمثیلی استفاده نمی‌کنم اما شخصیت‌ها از لایه‌های مختلفی هستند و یک ماکت مقوایی نیستند، می‌تواند بر داشت‌های تمثیلی هم داشته باشد. اما من به عمد تحمیل تمثیل شخصیتی را ننوشتم. دانش هم دراین‌باره گفت: «اگر یک فیلم‌ساز یا فیلم‌نامه‌نویس از ابتدا با تمثیل شخصیت‌پردازی کند، شخصیت‌ها باورپذیر نمی‌شوند. این نگاه هنرمندانه سینماگر است که ابتدا شخصیت‌ها را در قالب متقاعدکننده خودش می‌سازد و برداشت تمثیلی را هم بر عهده خود بیننده می‌گذارد».

رخشان بنی‌اعتماد در پاسخ به سؤال دیگری که قهرمان اصلی «نرگس» چه کسی است، گفت: «من در قصه‌هایم قهرمان ندارم. اگر بخواهیم اصرار کنیم که قهرمانی وجود داشته باشد، هر شخصیتی که در جهت تغییر حرکت می‌کند، می‌تواند قهرمان باشد.

اوافزود: در واقعیت همدلی خودم با «آقای» زیاد بود و خودم فکر می‌کردم بیشتر باید دیده شود. طرح شخصیتی مانند «آفاق» که پرده سینما اتفاق مهمی بود، دوستان من در خلق اثر نقش دارند و بخشی از فیلم کار آنهاست. در اسم فیلم و پایان آن خیلی با گروه بحث و مشورت داشتم.

این کارگردان درباره اینکه چرا صحنه تصادف آفاق خارج از کادر دوربین اتفاق افتاد، گفت: مرگ آفاق چیزی بیشتر از مرگ بود. آفاق با رفتنش تمام می‌شود، من خیلی فکر کردم تمام‌شدن به چه شکلی باید باشد، به این نتیجه رسیدم این تمام‌شدن، خارج از کادر باشد. بنی‌اعتماد در ادامه با بیان خاطره‌ای، از سکاسنی حذف‌شده از فیلم گفت که هنوز هم در حسرت آن است و آن بخش از فیلم را به موزه سینما داده است.

نگاهی به مجموعه نقاشی‌های فرزانه محجوبی دعوت به آرامش و دوستی

پی ایجاد حرکت نبوده است و سکون و سکوت و ایستایی به‌وضوح در این آثار به چشم می‌خورد. این هنرمند در بیشتر نقاشی‌هایش برای ایجاد این ایستایی و سکون از ترکیب‌بندی به شیوه قرینه‌سازی بهره برده و عناصر معدود تشکیل‌دهنده هر اثر نقاشی به صورتی در فضای اثر جای گرفته‌اند که سنگینی عنصر دیگر را در سوی دیگر تابلو جبران کنند. در همین جهت است که در اغلب آثار محجوبی ما به تعداد دوتایی پرندگان برمی‌خوریم که به نوعی در مقابل هم و در کنار گل‌هایی بزرگ‌تر از حد طبیعی جای گرفته‌اند. این دست است آثار محجوبی یادآور نقاشی‌های سنتی - ایرانی «گل و مرغ» نیز هست که در این نوع نقاشی، پرندگانی کوچک در میان گل‌هایی بزرگ نقش شده‌اند و جالب اینکه در ترکیب‌بندی و رنگ‌آمیزی نقاشی‌های گل و مرغ نیز قرار نداشتند! این اندام‌ها با گل‌ها و درختان و آرامش بخش دیده می‌شود.

عنصر ثابت دیگر در اغلب آثار محجوبی چنان‌که اشاره شد، خورشید و ماه گاه است. به نظر می‌رسد هنرمند با قراردادن خورشید و در بعضی آثارش ماه، در پس‌زمینه می‌خواهد مفاهیم خیر برآمده از این نقاشی‌ها را کامل کند و با قراردادن این عنصر دایره‌وار، معنای امید را در کنار مفاهیم صلح، آرامش، عشق و مهرانی به مخاطب اثرش عطا کند.

زندگی امروز، فضایی پر از خشونت، جنگ و سوءتفاهم است، دنیایی سرشار از ترور، ربا و دروغ و بی‌اخلاقی، دنیایی که در آن انسان تنهاست! دست به تخریب خود و مفهوم انسانیت زده که قدم در راه تخریب فضای زیستی و تمامی عناصر موجود در آن گذاشته است، نیز برداشته است، به‌طوری‌که به نظر می‌رسد هیچ گریزی لطافت فرم پرندگان، نقش شده‌اند و چه‌سا در اغلب آثار با ابعادی بزرگ‌تر از حد طبیعی

و معمول در قیاس با دیگر عناصر، بخش وسیعی از فضای نقاشی را به خود اختصاص داده‌اند تا در هجج‌واری با نقش پرندگان و گردی و نرمی نقش خورشید و ماه، حسّی از آرامش، مهربانی، صلح و عشق را به بیننده اثر ببخشند.

در راستای القای همین مفاهیم است که هنرمند در نحوه ترکیب‌بندی‌های عناصر آتارش هیچ‌گاه در محرومیت کم‌تر از نگاه به بیننده نماند، بلکه دایره فقر و محرومیت وسع‌تر شده است. جوهر اصلی قصه «نرگس» آدم‌های فراموش‌شده‌اند که همچنان این آدم‌ها، فراموش شده‌اند».

یادداشت

نگاهی به فیلم احمد رضا معتمدی «سوءتفاهم» در زمانه «وانمود»



بهروز فرخ‌رو دبیر انجمن حکمی فلسفی فرید

● فیلم «سوءتفاهم» با توجه به وجه نظری درخور تأمل، متأسفانه نه در جشنواره فجر سال گذشته، چنان که بایدو شاید، مورد توجه قرار گرفت، نه در زمان نامناسب نمایش عمومی کنونی بر پرده سینماها. اصولاً آثار سینمایی معتمدی جدای آنکه امکان ارتباط کامل با مخاطب را بیابد یا خیر، اهمیتی جدی به طرح مسائل نظری زمانه کنونی دارد.

البته این نکته به معنای آن نیست که او توجهی به وجوه سینمایی کار خود ندارد یا به فرم و صورت اثر خود بی‌توجه است، نه، به لحاظ سینمایی کاملاً جدی و با دقت دارد و به‌ویژه اثر مورد بحث چه از نظر بازیگری و بازیگردانی، چه میزانسن و کارگردانی، چه فیلم‌برداری و… کاملاً حرفه‌ای و بی‌نقص است؛ اما سعی و اهتمام نظری و حکمی او به‌ویژه در وهله نخست، چنان که بایدو شاید مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مسلّم است که طرح هر مسئله جدی در اثری سینمایی دشوار است و همواره بیم آن می‌رود بخشی از مخاطبان با اثر همراه نشوند؛ لیک باید این اهتمام و تأمل را در این زمانه فقدان فکر و ذکر ستود

و از آن استقبال کرد.

در «سوءتفاهم» همان‌طور که در پایان اثر آمده، مسئله اصلی تأملی است که در کلام «ژان بودریار» به آن اشاره می‌شود و آن این معاست که در زمانه ما رسانه یا وسایل و وسائط ارتباط جمعی، در وجه جهانی خود، مقتضی پیامی است که با ماهیت رسانه و منشأ ایجاد آن در دنیای مدرن و جهان سرمایه‌داری، نسبت دارد. در حقیقت رسانه خود یک پیام است. بحث آن است که در عصر انفجار اطلاعات و گسترش رسانه و وسایل و وسائط ارتباط جمعی، آدمی در غار پنداری زندانی است که فضای مجازی برای او رقم می‌زند. این درست است که در موارد حاد افرادی را که دچار اختلال وضع حقیقی خود با وضع مجازی می‌شوند، به عنوان بیمار روانی فاقد خودآگاهی، راهی بیمارستان می‌کنند، اما بحث آن است که اثر بمباران اطلاعاتی فضای مجازی فقط بر موارد خاص و بیماران حاد نیست، بلکه به نسبت بر کل افکار عمومی جهان تأثیری قابل ملاحظه دارد. البته معنای این حرف این نیست لزوم است یا اصلاً می‌توان در این عصر از سیطره وسائط ارتباط جمعی خلاص شد، بلکه در عین لزوم اشتغال و حتی مقابله به مثل می‌توان نسبت به عوارض و ماهیت آن درنگ کرد و به صورتی خودآگاه با آن مواجه شد.

حتی من تصور می‌کنم علت اینکه دولتمردانی مثل ترامپ یا نتانیاهو و بن‌سلیمان با سیاست‌های استکباری خشن و عریان توانستند سیاست‌های تند و شکست‌خورده چماق‌داری را نسبت به با پنبه سربریدن رقیای دموکرات و تعارف هویج، پیش ببرند این بوده است که در فضای غالب مجازی و رسانه‌ای کنونی امکان آن هست که چماق را از رنگ کند و به جایی هویج به خود خلائق دهنـد. حالا اگر یک روزنامه‌نگار ساده‌ای مثل خاشاچی پیدا شود و بگوید که بابا این چماق است و هویج نیست، چنان بدش را تکه‌تکه و از دور خارج می‌کنند که اعتراض بستگان و رقیا نیز راه به جایی نبرد.

این زمان را استاد ما مرحوم دکتر فریدد دوره «وانمود» می‌نامید. ببینید اگر از آغاز تاریخ فلسفه با طرح مغاره مثالی افلاطون بحث از اصالت «دیدار» در مقابل «پندار» و «بوده» در مقابل «منوده» شده است، اکنون زمان «وانمود» است. به اینـ معنی که اگر می‌بایست، بنیان‌گذار فلسفه، معتقد بود که فیلسوف می‌توانست برای ملاحظه حقیقت و اعیان اشیا و امور از مغاره کثرت، جزئیات و ظواهر که عالم دیدار است خارج شود و در عالم اعیان به دیدار حقیقت برود، اکنون دیگر واقعیت و جزئیات و ظواهر هم در کار نیست، بلکه آدم خود بنیاد در سوءتفاهم» عالمی گرفتار است که وانمود کاذب واقعیت‌های عالم ظاهر است، با این مقدمه، بازگردیم به اثر معتمدی. داستان از ساخت فیلم و سناریویی حکایت دارد که نمی‌دانیم چه کسی آن را نوشته است. می‌بینیم دختری با همکاری خواستگار خود وانمود می‌کند که دزدیده شده است تا از پدرش اخاذی کند و پول اخاذی‌شده را صرف ساختن فیلمی بر اساس همین ماجرا با بازی خود کند؛ اما داستان به این سادگی پیش نمی‌رود و در پیچ‌وتاب ماجرا، همه چیز بهم برهم می‌شود؛ به نحوی که مشخص نیست کجا فیلم داخل فیلم است و کجا فیلم اصلی، چه کسی وانمود می‌کند و چه کسی دره سوءتفاهم» است. ظاهراً هر کسی در مرتبه خود دچار سوءتفاهم است، در عین حال که در مرتبه دیگر خود نقش را در داستان وانمود می‌کند. ما همه لعینکاینم و فلک لعینته‌باز / از روی حقیقتی نه از روی مجاز. سعی معتمدی تا همین‌جا نیز درخـور تقدیر است و اگر امکان مفصل‌تری چه به لحاظ بودجه و امکانات چه به لحاظ طول مدت فیلم- که حتی در نمایش عمومی، به دلیل رعایت زمان معمول نمایش، نسبت به نسخه نمایش داده‌شده در جشنواره، کوتاه‌تر هم شده است- در اختیار او بود جای داشت که فضای مجازی اینترنتی و مطبوعاتی نیز به نحوی وارد ماجرا می‌شد. اگرچه در این اثر سینمایی نقد بیشتر متوجه مدیوم سینما و تصویر است، به هر حال، دست مرزباد، ان‌شاءالله که همواره شاهد آثار عمیق این فیلم‌ساز فکور کشور باشیم.